پیام ویژه غزه

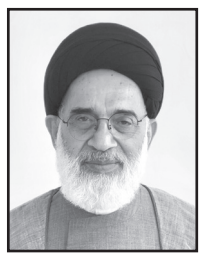

تمامی سرزمین‌های اسلامی و به‌ویژه فلسطین از زمان جنگ‌های صلیبی در قرن ۱۴ میلادی مورد طمع غربی‌ها بوده است. آنها در هر زمانی برای اشغال این مناطق استراتژیک مسلمانان و به یغما بردن ثروت‌های خدادادی آنان شعاری ساخته و بهانه‌ای اعلام کرده‌اند. یک بار به بهانه آزاد کردن مهد مسیحیت از سلطه مسلمانان و با فتوای جهاد پاپ واتیکان، یک بار با طرح شکست خلافت عثمانی و تأسیس مملکت واحد عربی به پشتیبانی انگلیس، و بار دیگر به بهانه پناه دادن به نجات‌یافتگان از کشتار هیتلر در کشور آلمان. ولی در تمامی این بهانه‌ها، همزمان با اشغال، هدف قتل‌عام مردم سرزمین فلسطین و بیرون راندن صاحبان اصلی این دیار بوده و هست.

قتل‌عام صلیبی‌ها ۲۰ سال بطول انجامید و طی آن بیش از ۶ میلیون نفر به قتل رسیدند که تاریخ آن را ثبت نموده است.

جنایات انگلیس در طول مدت اشغال فلسطین بطور مستقیم یا با توطئه و همدستی با تروریست‌های صهیونیست را نیز به سهولت می‌توان در تاریخ یافت. جنایات صهیونیست‌ها از پیش از اعلام "اسرائیل" در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) شروع گردید. چه جنایاتی که با همکاری استعمارگران انجام می‌گرفت و چه قتل‌عام‌های متعددی که بطور مستقیم به دست جنایتکاران صهیونیست انجام می‌گرفت.

از نخستین روزهای تشکیل رژیم غاصب اسرائیل هر چند صباحی به بهانه‌های مختلف جنایتی در حق مردم مظلوم فلسطین انجام شده و در ارتکاب این جنایات هیچ قانونی را رعایت نمی‌کنند و از هیچ بازخواست جهانی و محاکمه‌ای خوف ندارند. همزمان توسط لابی‌های مالی، افراد و شخصیت‌های جهانی را با اشراف رسانه‌ای و انحراف افکار عمومی در قبضه خود قرار داده‌اند، تا جایی که سازمان ملل متحد که اعتبار بین‌المللی باید داشته باشد و مراکز وابسته به آن باید مورد احترام تمامی کشورها قرار گیرند، به آسانی مورد حملات جنگنده‌ها و توپخانه‌های صهیونیست‌ها قرار می‌گیرند و صدها کارمند رسمی و نیز سربازان وابسته به این ارگان جهانی کشته می‌شوند؛ ولی دبیرکل سازمان ملل تنها به صدور یک بیانیه اعتراض خجولانه و یک تقبیح لفظی بسنده می‌نماید. از سوی شورای امنیت نیز هیچ واکنش عملی نشان داده نمی‌شود و حتی اگر یک دبیر کل این سازمان موضعی اتخاذ کند که مورد قبول حامیان رژیم صهیونیستی نباشد سریعاً او را برکنار می‌کنند مثل پطرس غالی که در قبال حمله نظامی صهیونیست‌ها به مرکز وابسته به سازمان ملل در روستای قانا در جنوب لبنان در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶ میلادی) موضع نسبتاً تندی گرفت و از کیان این سازمان بین‌المللی دفاع نمود، لیکن وی از سوی لابی‌های صهیونیستی در آمریکا مورد حملات شدید تبلیغاتی قرار گرفت و پس از زمانی کوتاه منصب خود را از دست داد و دبیرکلی وی تجدید نگردید.

کشورهای عربی نیز که بعضاً سران آنها دست‌نشاندگان استعمارگران انگلیس یا فرانسه بوده‌اند، از آغاز شریک توطئه صهیونیست‌ها و حامیان این رژیم غاصب را داشته‌اند و از هرگونه حرکت جدی در جهت مقابله با اشغالگران جلوگیری نموده‌اند و یا لااقل از آن برخی حرکت‌ها به‌ظاهر پشتیبانی کرده ولی آن را به بیراهه می‌کشاندند. این امر با انتشار پیاپی اسناد محرمانه از سوی سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی "موساد" افشا گردیده و هرچند وقت یکبار نقش یکی از سران کشورهای عربی و غیر عربی در حمایت از کیان صهیونیستی منتشر می‌شود و حتی پرده از دیدارهای محرمانه سران صهیونیست با اکثر حکام منطقه قبل از تشکیل رژیم غاصب برداشته شده است. لذا هر تلاشی برای رویارویی جدی با اشغالگران از سوی ملت‌های غیور مسلمان خنثی شده و همیشه جنگ‌ها در سرزمین فلسطین و کشورهای همسایه به نفع رژیم صهیونیستی پایان یافته و هر بار سرزمین‌های بیشتری به اشغال آنان در آمده است. نقشه‌های منتشره و گسترش مناطق اشغالی فلسطین بالأخص از بدو تأسیس آن رژیم منحوس تا به امروز بیانگر این مدعا است.

برای اولین بار در ۷ اکتبر امسال میلادی مردم فلسطین اعتماد به خود کرده و از حمایت دروغین سران عرب و تمامی مصوبات بین‌المللی قطع امید نموده و خود از حالت دفاع به حالت هجوم روی آوردند و منتظر پیشرفت دیگری از سوی صهیونیست‌ها نمانده‌اند بلکه با حمله به مناطق اشغال شده نوعی جدید از رویاروی را شروع کردند که در تاریخ جنگ‌های آن سرزمین بی‌سابقه است.

منطقه باریکه غزه که با عرض حداکثر ۱۲ کیلومتر و طول حدود ۴۰ کیلومتر و با هموار بودن سطح زمین آن کاملاً زیر تسلط هوایی و دریایی صهیونیست‌ها بود و توسط برخی مزدوران فلسطینی داخلی و وابستگان به حکومت محمود عباس و "مستعربین" که صهیونیست‌های در لباس عربی‌اند و بطور شبه کامل جامعه اهل غزه زیر نظر قرار داشت و اداره می‌شد. از طرفی آنها با پهپادهای فوق پیشرفته و حتی هواپیماهای جنگی و روش‌های دیگر جاسوسی هر کسی را که اراده کنند ترور می‌نمایند، لیکن جهان یکباره شاهد نمونه‌ای جدید و غیر قابل تصور از حرکت فلسطینی‌ها گردید که به دور از چشم تمامی سران خائن خارج و نیز با مخفی نمودن از مزدوران داخل و در مدت بسیار طولانی و علیرغم محاصره شبه کامل از سوی رژیم صهیونیستی و مصر توانستند شبکه تونلی گسترده و پیچیده‌ای ساخته و انواع امکانات را در آن تهیه کنند و برای نگهداری اسرای صهیونیستی نیز پیش‌بینی‌های لازم را داشته باشند.

در این تونل‌ها محاسبه قدرت قوی‌ترین بمب‌های موجود در اختیار رژیم صهیونیستی و آن‌هایی که از سوی آمریکا و انگلیس و کشورهای دیگر غربی به آنان داده می‌شود نیز شده است تا جایی که پس از گذشت بیش از سه ماه از جنگ ویرانگر و شخم زدن تمامی سرزمین غزه توسط هواپیماهای جنگی و اشراف دقیق ماهواره‌های جاسوسی اسرائیلی و آمریکایی و دیگر کشورها و پرواز مستمر پهپادهای پیشرفته جاسوسی گوناگون، هنوز به هیچکدام از تونل‌ها دست نیافته و اگر هم گاهی به ورودی چند تونل رسیده‌اند و قصد ورود به آن را داشته‌اند آن جا مین‌گذاری شده و سربازان صهیونیست به دام افتاده و به هلاکت می‌رسند.

علیرغم همه تلاش‌ها هنوز به پایگاه‌های پرتاب موشک‌های دوربرد و انواع خمپاره‌ها دست نیافتند و از میان ویرانه‌های غزه، تانک‌ها و نفربرها و افسران و سربازان نخبه صهیونیستی مورد شکار مبارزان فلسطینی قرار می‌گیرند، تا جایی که به اعتراف صهیونیست‌ها آنان با شبح‌ها روبرو هستند. به قدری سربازان نخبه اسرائیلی که در تمامی جنگ‌ها برای رژیم اشغالگر آبرو کسب می‌کردند در جنگ غزه نابود شده‌اند که اثرات بسیار بد روانی در این جنگ به جا گذاشته تا جایی که به صراحت از سوی سربازان و عموم صهیونیست‌ها در رسانه‌ها بیان می‌شود. در آتش‌بس چند روزه آزاد شدن تعدادی از اسرای صهیونیستی به امید رسیدن به سرنخی از مجموعه تونل‌ها انجام گرفت و علیرغم آنکه در چندین مورد مبارزین اسرای خود را در میان منطقه به‌ظاهر تحت سلطه ارتش صهیونیستی و با حضور وسایل خبری جهانی و مردم تحویل صلیب سرخ دادند ولی تاکنون صهیونیست‌ها از دسترسی حتی به یک مورد از مخفیگاه‌های اسرا و مراکز فرماندهی حماس و دیگر گروه‌های مقاومت عاجز مانده‌اند. امروز رژیم صهیونیستی است که دست به دامن قطر و مصر و دیگر سران منطقه شده تا تلاش نمایند مقاومت فلسطین را برای پذیرش آتش‌بس متقاعد نمایند و رسانه‌های این رژیم بارها موافقت سران در سطح رئیس "دولت" و نخست وزیر و وزیر دفاع اسرائیل با آتش‌بس را اعلام نموده‌اند لیکن این‌بار مقاومت است که در مقابل در خواست آنان شرط و شروط گذاشته و از موضع قدرت با دشمن سرخورده برخورد می‌نماید.

در حوزه جنگ روانی در سطح جهانی نیز برای تقویت روحیه صهیونیست‌ها و ایجاد رعب و وحشت و روحیه یأس و ناامیدی در دل فلسطینی‌ها از تمامی روش‌ها استفاده گردید و هر روز یکی سران کشورهای غربی با هدف اعلام حمایت از جنایتکاران صهیونیست راهی فلسطین اشغالی شدند.

هر روز خبری درباره پل‌های هوایی نظامی جهت تأمین احتیاجات نظامی پیشرفته از سوی آمریکا و دیگر کشورها مخابره شد و نیز درخصوص حضور ناوهای گوناگون آمریکایی و انگلیسی و دیگر طرفداران رژیم اشغالگر در نزدیکی ساحل فلسطین اشغالی در حمایت و پشتیبانی جنایتکاران منتشر نمودند ولی دیدند این روش‌ها هیچ اثری نداشت. خبر و تصویر عبور بزرگترین زیردریایی اتمی آمریکایی که با عبور از کانال سوئز عازم دریای مدیترانه است را منتشر کردند، حال آنکه این زیردریایی بطور معمول فقط در اقیانوس‌های پرعمق حرکت می‌نماید و در آخر لیست مشارکت مستقیم ده‌ها هزار سرباز از کشورهای متعدد در جنگ به اضافه خبر استخدام جنگ جویان مزدور از سراسر جهان منتشر گردید و سخن از مشارکت نظامی برخی کشورهای عربی به میان آوردند، لیکن همگی شاهد هستیم که این همه جنگ روانی هیچ تأثیری در روحیه نیروهای مقاومت نگذاشته و آنها همچنان به شکار دشمنان خود ادامه می‌دهند.

تاکنون هزاران تانک و نفربر و دیگر ادوات جنگی صهیونیستی به اضافه ده‌ها هزار از سربازان نخبه و افسران عالی‌رتبه از دست رفته‌اند و هر روز ده‌ها موشک دوربرد به تل‌آویو و شهرهای بزرگ فلسطین اشغالی روانه گردیده و صدها خمپاره به شهرک‌های صهیونیستی اصابت می‌کنند. گنبد آهنین و پاتریوت‌ها و دیگر وسائل پیشرفته دفاعی هیچ اثری در جلوگیری از آنها ندارند و همگی روزانه شاهد فرار سراسیمه صهیونیست‌ها پس از آژیر خطر در شهرها و شهرک‌ها هستیم، و از همه مهم‌تر مهاجرت بیش از یک میلیون صهیونیست که این سرزمین را محل امن برای زندگی ندانسته‌اند و دیگر قصد بازگشت به محل سکونت خود را ندارند و همچنین آوارگی بیش از نیم میلیون صهیونیست که در هتل‌ها و اردوگاه‌ها اسکان داده شده‌اند و باز توقف کامل چرخه اقتصادی به علت فراخوانی عمومی، از طرفی به وجود آمدن یک جهش جهانی در پشتیبانی از مردم مظلوم فلسطین و تظاهرات در سرتاسر کشورهای مختلف دنیا و ورود مجاهدان یمنی و لبنانی و عراقی و سوری به میدان کارزار که هرکدام به طریقی رژیم صهیونیستی و حامیانش را مورد حمله و تحت فشار قراد داده‌اند و زندگی را برای نخستین‌بار بر اشغالگران فلسطین بسیار سخت نموده‌اند قابل تأمل است.

برای رژیم جنایتکار راهی جز تحمل شکست نمانده و حامیان او نیز آرام آرام از امکان پیروزی این رژیم ناامید شده و مواضع خود را تغییر می‌دهند. این بار اسرائیل است که طعم شکست مفتضحانه را می‌چشد و پایان وجود ساختگی خود را با چشم می‌بیند و آمریکای جنایتکار و هم‌پیمانانش نیز به دنبال او شکست مفتضحانه توطئه‌های خود را شاهد هستند. مبارزین علیرغم دادن بیش از ۲۰۰۰۰ شهید و ویرانی کل سرزمین غزه و قطع راه وصول هرگونه کمک به مردم مظلوم فلسطین، این‌بار پاسخ کشتارهای وحشیانه در طول ۷۵ سال را داده‌اند و این مهمترین پیام مقاومت دلیرانه مردم مظلوم غزه به تمام آزادگان جهان است.

***سید صادق موسوی**

۸ موضوعی که در رسانه‌های صهیونیستی سانسور می‌شود

یک پایگاه خبری آمریکایی سانسور نظامی اعمال شده بر رسانه‌های صهیونیستی و خارجی در سرزمین‌های اشغالی را بی‌سابقه توصیف کرد و ۸ مورد از موضوعات ممنوعه در محتواهای خبری عبری را برشمرد.

پایگاه آمریکایی اینترسپت اعلام کرد که نهاد سانسور نظامی رژیم صهیونیستی دستورهای لازم الاجرایی را بری سانسور پوشش رسانه‌ای اخبار جنگ غزه ارائه کرده که به موجب آن رسانه‌های خبری از پرداختن به ۸ موضوع مختلف بدون بررسی محتوای آن توسط این نهاد، منع شده‌اند.

این پایگاه خبری در گزارش اختصاصی خود می‌نویسد که سندی را به دست آورده که ازسوی رئیس بخش سانسور نظامی ارتش تهیه شده و موضوعات ممنوعه برای پوشش رسانه‌ای را در ۸ مجموعه برشمرده است.

این گزارش تأکید می‌کند که سند مذکور گرچه تاریخ مشخصی ندارد، اما در عنوان آن چنین آمده است: «دستورهای رئیس نظارت بر رسانه‌های اسرائیلی در عملیات شمشیرهای آهنین» این سند به امضای ژنرال «کوبی مندلبلیت» رئیس بخش سانسور و نظارت در ارتش اسرائیل رسیده است. شمشیرهای آهنین نام صهیونیست‌ها بر جنگی است که تل‌آویو بعد از طوفان الاقصی در روز هفتم اکتبر آغاز کرده است.

این سند موضوعات ممنوعه در انتشار اخبار مربوط به جنگ غزه را در موارد زیر برمی‌شمارد:

اول: پرداختن به موضوع اسرا و ارائه جزییات شخصی یا هرگونه اطلاعاتی در خصوص نحوه اسارت یا اوضاع درمانی آنها یا مواضع رژیم صهیونیستی در خصوص مذاکرات برای آزادسازی اسرا.

دوم: ارائه جزییات عملیات نظامی و مواضع نیروها و مناطق تجمع آنها و خطوط عملیاتی نظامیان ارتش اسرائیل و ممانعت از انتشار هر نوع تصاویر یا فیلم‌های ویدیویی که می‌تواند منجر به ارایه اطلاعاتی در خصوص نظامیان صهیونیست شود.

سوم: انتشار هر نوع تصویر یا گزارش از سامانه‌های دفاع موشکی اسرائیل.

چهارم: ارائه هر نوع اطلاعات جاسوسی در خصوص توانمندی‌های گروه‌های مقاومت یا انگیزه‌های آنها و جزییات مربوط به سامانه‌های تسلیحاتی مورد استفاده ارتش یا سلاح‌هایی که به دست نیروهای دشمن افتاده است.

پنجم: انتشار اخبار در خصوص حملات موشکی گروه‌های مقاومت و تخریب زیرساخت‌های حیاتی در سرزمین‌های اشغالی نظیر ایستگاه‌های تولید انرژی و تأسیسات آب و گاز و مراکز حمل و نقل و پایگاه‌های نظامی و کارخانه‌ها و دیگر مناطق حساس.

ششم: حملات الکترونیکی صورت گرفته ضد سامانه‌های امنیتی اسرائیل یا اخبار مربوط به حمله‌های سایبری تل‌آویو ضد دیگران.

هفتم: انتشار هرگونه اخبار در خصوص بازدید مسئولان رژیم صهیونیستی از مناطق جنگی در زمان حضور آنها.

هشتم: انتشار اخبار مربوط به کابینه جنگی اسرائیل یا بیان اطلاعاتی در خصوص مذاکرات مطرح شده در این نشست‌ها.

اینترسپت همچنین به نقل از یک کارشناس صهیونیست می‌نویسد که تاکنون دستورالعملی با این شدت ازسوی شورای نظارت نظامی بر رسانه‌ها صادر نشده بود.

«جای لوری» پژوهشگر صهیونیست نیز به اینترسپت اعلام کرد که از زمان آغاز جنگ غزه بیش از ۶۵۰۰ محتوای خبری مورد سانسور کلی یا جزیی قرار گرفته است که این رقم ۴ برابر بیشتر از شرایط قبل از جنگ است.

لوری می‌گوید که حتی خبرنگاران خارجی نیز می‌دانند که مجبور به اجرای این بخشنامه هستند و اساساً این بخشنامه به زبان انگلیسی منتشر شده تا آنها را مخاطب قرار دهد. رسانه‌های خبری می‌دانند تهیه محتوا در خصوص برخی از موضوعات نیازمند مجوز سیستم سانسور رژیم صهیونیستی است.

آیا اسرائیل موفق به تشکیل منطقه حائل در غزه می‌شود؟

قرار بود اسرائیل پس از شکست حماس و خلع سلاح غزه، اقدام به کنترل امنیتی غزه کند. با تداوم روند ناکامی در عملیات زمینی، این هدف به ایجاد تشکیل خط حائل تقلیل یافت اما این هدف نیز دور از دسترس به نظر می‌رسد.

به گزارش خبرگزاری فارس، اوایل دسامبر (اواسط آذر)، بعد از آتش‌بس یک هفته‌ای جنگ غزه، اسرائیل به آمریکا اطلاع داد که قصد دارد یک منطقه حائل یا امن، میان خود و غزه ایجاد کند. در خبرها گفته شد که اسرائیل این نیت خود را به مصر، اردن و امارات و همچنین ترکیه و عربستان اطلاع داده است.

«اوفر فُلک» مشاور سیاست خارجی بنیامین نتانیاهو آن ایام که اسرائیل پس از یک استراحت یک هفته‌ای حمله خود را با شدت بیشتر از سر گرفت و اتفاقا، از همان زمان تلفاتش در غزه هم بیشتر شد، گفته بود این طرح سه مرحله دارد که شامل نابودی حماس، خلع سلاح غزه و نابودی افراط گرایی در نوار غزه خواهد بود.

اکنون بعد از بیست روز از انتشار آن خبرها، اسرائیل در نوار مرزی خود با شمال غزه، درحال تخریب روزانه ۴۰ ساختمان مسکونی است. دو روزنامه یدیعوت آحارانوت و معاریو گزارش کردند که عمق این منطقه امن که در طول مرز غزه خواهد بود، یک تا دو کیلومتر یا کمی بیشتر خواهد بود.

نگاهی به عقب‌تر بیندازیم؛ مشاور نتانیاهو گفته بود اول، نابودی حماس، دوم خلع سلاح غزه و سوم نابود کردن افراط گری و پس از این سه مرحله، ایجاد منطقه حائل. اکنون حدود ۹۰ روز از جنگ می‌گذرد. حماس که نابود نشده و هنوز از ارتش اسرائیل کشته می‌گیرد و بدتر آنکه هنوز نگذاشته اسرائیل در هیچ نقطه از نوار غزه به معنای نظامی، مسلط شود.

از طرف دیگر، اسرائیل، کار ایجاد نوار حائل یا امن به دور نوار غزه را در عمل، شروع کرده است. رسانه‌های اسرائیلی گفتند، تانک‌های اسرائیل از گذرگاه کرم ابوسالم (جنوب غزه) عملیاتی زمینی به سوی خط «محور فیلادلفیا» آغاز کرده است.

محور فیلادلفیا خطی است که از گذرگاه کرم ابوسالم به موازات مرز غزه با مصر شروع می‌شود تا روستای «السویدی» در ساحل مدیترانه ادامه می‌یابد. براساس توافق صلح تل‌آویو – قاهره و همچنین بعد از خروج اشغالگران اسرائیلی از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ (۸۴ش) قرار شد تا یک نوار حائل در مرز مصر با غزه ایجاد و تحت نظارت نیروهای نظامی یا پلیس مصر قرار گیرد تا مانع تردد فلسطینی‌ها شود.

همچنین روزنامه هاآرتص نوشت: هر چند مسئولان اسرائیلی آشکارا اعلام نکرده‌اند، اما اسرائیل در عمل، وارد مرحله سوم جنگ شده زیرا مراکز مختلف تصمیم‌گیری در اسرائیل برای تغییری اساسی در ژانویه (دی ماه) آماده می‌شوند و ارتش برای مرخص کردن تعداد زیادی از نیروهایش از جنگ، آماده می‌شود. چون هزینه ارتش و فراخوان نیروهای احتیاط سرسام‌آور است.

هر چند آمریکا در عمل در همه حوزه‌های جنگ با اسرائیل همراهی کامل کرده اما طبق گزارش‌ها آمریکا با اشغال هر بخشی از غزه مخالف است، چون ابعاد مشکلات سیاسی و حقوقی آن را می‌داند. از طرفی هیچ کشوری عربی یا حتی دوستان غربی اسرائیل تا الان با ایجاد منطقه حائل در غزه موافقت نکرده‌اند. امارات که همراهی بسیاری با اسرائیل دارد، گفته با آنچه همه طرف‌های ذی‌ربط موافقت کنند، موافق است.

طرح منطقه حائل، مرده به دنیا آمده

در نتیجه باید پیش‌بینی کرد، همانطور که بعد از گذشت حدود سه ماه از جنگ، هیچ دستاورد نظامی مشخصی برای اسرائیل به دست نیامده، ایجاد منطقه حائل نیز موفق نخواهد شد؛ به چند دلیل مشخص.

اول اینکه حماس، جهاد اسلامی و دیگر گروههای مقاومت، تحت شدیدترین بمباران در دهه‌های اخیر، نه تنها تسلیم نشدند یا از بین نرفتند، بلکه با حفظ مدیریت نبرد میدانی، آنقدر به ارتش اسرائیل ضربات کاری زدند که تیپ گولانی بعد از، از دست دادن یک چهارم نیروی خود، از نبرد عقب نشینی کرد. فرمانده گردان ۱۳ در تیپ گولانی وقتی با تلویزیون اسرائیل مصاحبه کرد، آنقدر از این عقب‌نشینی خوشحال بود که در طول مصاحبه، لبخند و ذوق زدگی از چهره‌ش محو نشد. بنابراین حماس و دیگر گروههای فلسطینی اجازه نخواهند داد در شرایطی که به مراتب آسانتر از شرایط کنونی جنگ است، منطقه حائل شکل بگیرد و اگر بگیرد هم امن و پایدار نخواهد بود.

دوم آنکه، آغاز تحرکات برای اجرایی کردن طرح منطقه امن، به خودی خود به معنای شکست عملیات نظامی زمینی در غزه است، زیرا اگر حماس نابود شده و غزه خلع سلاح شده بود، نیازی به تسریع در اجرای منطقه امن وجود نمی‌داشت. لذا تلاش برای ایجاد منطقه امن، یعنی شکست سنگین عملیات زمینی.

بنابراین وقتی حماس و گروههای مقاومت، برقرارند، خودبه‌خود معنایش این است که طرح ایجاد منطقه حائل، مُرده به دنیا آمده است. غبار جنگ که بخوابد، اسرائیل و ارتش آن، شکست سوم را بهتر درک خواهند کرد زیرا شکست اول، هفتم اکتبر بود و شکست دوم، شکست در عملیات زمینی با هدف نابودی حماس و بازگرداندن اسرا بود و شکست سوم، ایجاد منطقه حائل. گذشت زمان عمق هر سه را بیشتر نشان خواهد داد.

***مشاور نتانیاهو گفته بود اول، نابودی حماس، دوم خلع سلاح غزه و سوم نابود کردن افراط گری و پس از این سه مرحله، ایجاد منطقه حائل. اکنون حدود ۹۰ روز از جنگ می‌گذرد. حماس که نابود نشده و هنوز از ارتش اسرائیل کشته می‌گیرد و بدتر آنکه هنوز نگذاشته اسرائیل در هیچ نقطه از نوار غزه به معنای نظامی، مسلط شود**

***همانطور که بعد از گذشت حدود سه ماه از جنگ، هیچ دستاورد نظامی مشخصی برای اسرائیل به دست نیامده، ایجاد منطقه حائل نیز موفق نخواهد شد**

*** وقتی حماس و گروههای مقاومت، برقرارند، خودبه‌خود معنایش این است که طرح ایجاد منطقه حائل، مُرده به دنیا آمده است. غبار جنگ که بخوابد، اسرائیل و ارتش آن، شکست سوم را بهتر درک خواهند کرد زیرا شکست اول، هفتم اکتبر بود و شکست در عملیات دوم، شکست در عملیات زمینی با هدف نابودی حماس و بازگرداندن اسرا بود و شکست سوم، ایجاد منطقه حائل**